

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جان بازان

ک. پیکار پامیر

۰۹.۰۶.۰۹

شهید راه آزادی

در تیره شام شهر غم اندود شهریان،
در پای " آسه مایی " و " دیوار باستان "
آنجا که ازدهای کهن آرمیده است
و آنجا که مدفست عدو را به صد هزار.
مردی شریف و شاد،
با قلب پر امید
پر شور و نا قرار
با عشق آتشین
میرفت استوار.
آن مرد پاکباز،
وان عاشق گذشته زجان در ره وطن،
وان دوستدار مردم غمدیده زمان
چون موج پیشتاز
می رفت پرشتاب.
آنجا، در آن " گذرگه " شیران پرغرور
در پای ازدها؛
خسپیده بود دشمن بی مایه در کمین
همچون سگان هار
آن خصم تیره دل،
آن جیره خوار درگه بیگانه زبون
آن پاسبان غول ستمکار بی بصر
و آن بی خبر ز هیبت آن مرد رهنورد
ازجا بجست تا که درد پیکر جوان .
آن مرد رهنورد؛
فرزند بی هراس و وفاکیش آریان
توفنده گشت و مست چو " دریای چمچه مست "
مستانه تاخت برسر دشمن از آن کنار

از پا فگند توله سگانی ز اقتدار
در شامگاه تار.

درواپسین تلاش؛

آن خیل دشمنان؛

از هم درید سینه جوشان رهنورد

آغشته گشت پیکر پاکی به خون پاک

آری !

آن جسم پاک و پیکر (عزیز طغیان).

از دیدگان دخت افق در بر سحاب

خونابه ریخت در غم یک جسم خونچکان

یا در عزای مرگ شکوهمند قهرمان.

از هم درید پرده شب خنده شفق

روشن نمود شهر غم اندوده آفتاب

شد هرکنار زمزمه کان مرد با وقار

یعنی ، (عزیز) خلق

یعنی ، (عزیز) ما

مردانه مرده است

گفتند شهریان

با یکصدا که هان :

هرگز نه مرده است ، ولی رفته از میان

او زنده است تا که بود زنده این جهان

او زنده است تا که بود زنده ، زنده جان. . .